

## نقش تعرفه واردات بر فرار مالیاتی در واردات کالا، برای ۸ کشور

### شریک عمده تجاری

طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۹

معصومه سلطانی نژاد

M.soltani9080@gmail.com

### چکیده

با افزایش مبادلات تجاری در جهان نقش تعرفه‌های گمرکی در کنترل و اجرای سیاست‌های تجاری با سایر کشورها پررنگ‌تر شده است که این امر باعث اعمال سیاست‌های گمرکی توسط دولت‌ها می‌شود. این سیاست‌ها به دو شکل سیاست‌های کمی و کیفی می‌باشند که تغییراتشان به‌عنوان ابزار سیاست‌های تجاری، موجب افزایش یا کاهش واردات و صادرات کالا و خدمات می‌شود. تعرفه‌های گمرکی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین روش‌های اجرای این سیاست‌ها به شمار می‌رود که با تغییرات آن میزان واردات و صادرات کالا به مقدار چشمگیری تغییر می‌یابد. از سوی دیگر با افزایش تعرفه‌ها صادرکنندگان و واردکنندگان به دلیل افزایش هزینه‌ها، عموماً به دنبال راهی برای کاهش هزینه‌های گمرکی هستند که یکی از این روش‌ها قاچاق کالا به داخل کشور از مناطق مرزی می‌باشد. با قاچاق کالای خارجی به داخل کشور علاوه بر عدم پرداخت عوارض گمرکی، مالیات پرداختی توسط واردکنندگان نیز کاهش می‌یابد زیرا مالیات کالاهای وارداتی تنها به کالاهای وارد شده از گمرکات رسمی کشور تعلق می‌گیرد و در نهایت این امر سبب کاهش درآمد مالیاتی کشور می‌شود.

پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان نرخ تعرفه گمرکی و میزان قاچاق کالا به داخل کشور از شرکای عمده تجاری ایران به روش داده‌های تلفیقی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ می‌پردازد. نتایج نشانگر آن است که بین میزان تعرفه گمرکی و مقدار فرار مالیاتی از طریق قاچاق کالا در دوره مورد بررسی رابطه مستقیم وجود داشته و با افزایش میزان تعرفه گمرکی، میزان قاچاق کالا و در نتیجه فرار مالیاتی از طریق عدم پرداخت مالیات کالاهای وارداتی افزایش یافته است.

طبقه‌بندی JEL: F42, H26, H27, C33

کلید واژه‌ها: تجارت جهانی، فرار مالیاتی، عوارض گمرکی، داده‌های تلفیقی

## مقدمه

با گسترش روز افزون تجارت جهانی صادرات و واردات روز به روز افزایش می‌یابد البته بخشی از این واردات و صادرات به دلایل مختلف به صورت غیر قانونی و قاچاق انجام می‌گیرد که میزان مالیات بر واردات یکی از دلایل کاهش یا افزایش این امر می‌باشد. مالیات وضع شده بر واردات شامل تعرفه واردات کالا به داخل کشور و نیز عوارض وضع شده بر روی کالاهای وارداتی، بوده که در هنگام ورود کالا به صورت غیر قانونی به داخل کشور این مالیات از طرف واردکننده پرداخت نمی‌گردد. با توجه به اینکه این مالیات به‌عنوان هزینه واردات کالاها از مبادی رسمی و قانونی می‌باشد، این مالیات موجب افزایش انگیزه افراد برای واردات از طرق غیرقانونی می‌شود که این امر باعث شکل‌گیری و انجام معاملات غیرقانونی می‌گردد که اقتصاد غیر رسمی را افزایش داده و موجب تأثیر منفی بر عملکرد اقتصادی کشور می‌گردد.

با افزایش میزان این نوع مبادلات درآمد مالیاتی دولت کاهش می‌یابد که در نتیجه آن دولت با مشکلاتی در زمینه مخارج خود و نیز در اجرای سیاست‌های تخصیصی و توزیعی مواجه می‌شود و کارآمدی سیاست‌های اقتصادی نیز به تبع آن کاهش می‌یابد. طی سال‌های گذشته همواره درآمد مالیاتی قسمت کمی از درآمدهای دولت را به خود اختصاص داده و درآمدهای مالیاتی همواره کم‌تر ۵۰ درصد از هزینه‌های جاری دولت را توانسته است تأمین نماید که از دلایل آن می‌توان به پایین بودن پایه مالیاتی و گسترده بودن فرار مالیاتی در کشور اشاره نمود. مالیات و عوارضی که برای واردات قانونی وضع شده‌اند نیز یکی از دلایل فرار مالیات به شمار می‌روند که انگیزه افراد برای واردات غیرقانونی و بدون مالیات را افزایش می‌دهد.

با مطالعه آمار و اطلاعات سایر کشورها متوجه می‌شویم که این واردات و صادرات غیرقانونی تنها منحصر به کشور ایران نبوده و در سایر کشورها به تناسب میزان تعرفه واردات، منطقه جغرافیایی و... وجود دارد که علاوه بر کاهش درآمد دولت، با بی‌اثر کردن نظام تعرفه‌ای می‌تواند اثرات مخربی بر سیاست‌های مالی و تجاری دولت داشته باشد. با گسترش روز افزون تنوع کالاهای خارجی و عدم توانایی در تولید کالاهای مرغوب در داخل کشور، پدیده قاچاق کالا روز به روز افزایش می‌یابد که اثرات مخرب و جبران‌ناپذیری بر تولید و اقتصاد کشور وارد می‌کند.

بر اساس مطالب ذکر شده این مقاله در پی آن است که فرضیه وجود رابطه مستقیم و معنی‌دار بین نرخ تعرفه برای کالاهای وارداتی و فرار مالیاتی در واردات کالا را مورد آزمون قرار دهد. برای این منظور داده‌های مربوط به ایران و کسور عمده شریک تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ با استفاده از الگوی داده‌های تلفیقی مورد آزمون قرار می‌گیرد.

## ۲-۱- مبانی نظری

مالیات به‌عنوان یکی از منابع درآمدی دولت به شمار می‌رود که دولت از آن برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی استفاده می‌نماید. با فرار مالیاتی که به طرق مختلف انجام می‌گیرد، درآمد دولت کاهش یافته و دولت در حوزه سیاست‌های توزیعی و تخصیصی دچار مشکلات جدی می‌شود. در این زمینه مطالعات مختلفی انجام گرفته است که بخش اعظم این مطالعات به برآورد مقدار کل فرار مالیاتی اختصاص دارد. اولین مطالعات انجام گرفته در این زمینه به مطالعات باگواتی و هانسن<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) بازمی‌گردد که این محققان بر مبنای ساختار تئوریک هیکس-ساموئلسن ضمن بررسی تأثیر رفاهی ایجاد شده از قاچاق در یکی کشور کوچک و قیمت‌پذیر، اظهار می‌دارند تعرفه، قیمت داخلی کالای وارداتی را نسبت به قیمت تجارت آزاد افزایش می‌دهد که به دنبال آن برای فرار از پرداخت مالیات، واردات غیر قانونی کالاها به داخل صورت می‌پذیرد.

پس از آن مطالعه دیگری توسط نورتن<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) انجام می‌گیرد که در آن ضمن تبیین آثار واردات غیرقانونی کالا بر کشورهای اروپایی، یک مدل نظری برای شناسایی عوامل مؤثر بر چگونگی واردات غیرقانونی میان اعضای اتحادیه اروپا ارائه می‌شود. مدل ارائه شده توسط نورتن به صورت تابعی از سود مورد انتظار برای تاجری است که تصمیم دارد کالایی را به صورت رسمی یا غیررسمی از کشور خارج وارد اقتصاد داخلی نماید، تعریف شده است. نورتن با حداکثر سازی تابع سود به دست آمده، به این نتیجه می‌رسد که رابطه مستقیمی بین نرخ مالیات کالای وارداتی و مقدار واردات غیرقانونی که مالیاتی به آن تعلق نمی‌گیرد، وجود دارد. در ادامه به بررسی مطالعات خارجی و داخلی انجام گرفته در این رابطه پرداخته می‌شود.

1- Bhagwati and Hansen

2- Norton

### ۱-۲-۱- مطالعات خارجی

پاو (۱۹۹۱) فعالیت‌های اقتصادی که به صورت رسمی صورت نمی‌گیرد را به دو دسته فعالیت‌های قانونی و فعالیت‌های غیرقانونی تقسیم می‌نماید که از نظر وی، فعالیت‌های غیرقانونی شامل تولید کالاهای غیرمجاز و ممنوع نظیر قاچاق مواد مخدر، پولشویی و رشوه خواری می‌شود و فعالیت‌های قانونی، فعالیت‌هایی که به دلیل عدم پرداخت مالیات و یا عدم رعایت قوانین به صورت پنهانی انجام می‌پذیرد، را در بر می‌گیرد. به گفته وی مالیات‌های بالا و مقررات سخت دولتی از عوامل مهم در افزایش میزان فعالیت‌های غیررسمی می‌باشد.

پریچت و سهی (۱۹۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه میان نرخ تعرفه و درآمدهای ناشی از تعرفه در بین کشورهای در حال توسعه می‌پردازند. نتایج مطالعه نشان می‌دهند در نرخ مالیات بر واردات کم‌تر از نرخ رسمی تعرفه، درآمدهای تعرفه‌ای دولت افزایش می‌یابد که بر اساس این نتیجه، افزایش نرخ تعرفه درآمدهای مالیاتی دولت را کاهش می‌دهد که یکی از دلایل عمده آن فرار مالیاتی است.

فیسمن و وی<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین نرخ مالیات و فرار مالیاتی (با تأکید بر شکاف تجاری) برای کشور چین و هنگ کنگ پرداختند. نتایج نشان‌دهنده آن بود که فرار مالیاتی بیش‌تر در مورد کالاهایی که مشمول نرخ مالیات بالاتری هستند، اتفاق می‌افتد. روش مورد استفاده در این مطالعه برای محاسبه اختلاف تجاری میان هنگ کنگ و چین بر مبنای روش باگواتی بود و تعداد ۵۱۱۳ در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است.

جواریسک و نارکیسو<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) با استفاده از روش فیسمن و وی، به بررسی رابطه میان نرخ مالیات بر واردات و اختلاف تجاری میان آلمان و ۱۰ کشور شریک تجاری عمده آن در طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۲ پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با افزایش نرخ تعرفه وارداتی، اختلاف تجاری میان آلمان و شرکای عمده (که به صورت میزان تفاوت بین ارزش صادرات گزارش شده توسط آلمان و ارزش واردات گزارش شده از سوی شرکای تجاری آلمان می‌باشد) افزایش یافته است.

1- Fisman and Wei

2- Jovorecik and Narciso

## ۲-۱-۲- مطالعات داخلی

مطالعات تجربی اغنجام گرفته درباره رابطه بین نرخ تعرفه وارداتی و فرار مالیاتی در ایران محدود بوده و تنها چند مورد به بررسی فرار مالیاتی در قالب قاچاق کالا اشاره دارند که به بررسی این مطالعات پرداخته می‌شود.

شکیبایی (۱۳۸۰) در یک مطالعه اندازه قاچاق در ایران را طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۴۳ به روش منطق فازی تخمین زده‌است. وی در این پژوهش بار مالیاتی، حاشیه سود خالص بازار ارز و مقررات اقتصادی را به عنوان عوامل مؤثر بر قاچاق در دوره مورد بررسی معرفی می‌کند.

پژویان و مداح (۱۳۸۵) در یک مطالعه ابتدا مدل نظری برای قاچاق معرفی نموده و با استفاده از داده‌های اقتصادی طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۴۹ با استفاده از روش MIMIC آن را تخمین زده‌اند. در این مطالعه، نرخ تعرفه واردات کالا به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر واردات قاچاق معرفی شده است که این امر سبب افزایش هزینه واردات رسمی کالا و شکل‌گیری معاملات غیرقانونی می‌شود.

فرزانگان (۱۳۸۹) بر پایه مدل مورد استفاده مطالعه فوق روند قاچاق را طی سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۷۰ به تخمین زده است. نتایج این پژوهش نیز نشان‌دهنده تأثیر مستقیم نرخ تعرفه بر اندازه قاچاق در ایران طی دوره مورد بررسی می‌باشد.

لطفعلی پور و همکاران (۱۳۹۱) طی پژوهشی به بررسی تأثیر کاهش موانع تعرفه‌ای بر واردات کل کالا در ایران با استفاده از روش خودر رگرسیون با وقفه‌های گسترده پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه که برای داده‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۶ انجام گرفته است، جاکي از آن است که تقاضا برای واردات کالا در ایران، نسبت به قیمت‌های نسبی و تولید ناخالص داخلی واقعی در بلندمدت و کوتاه‌مدت با کشش می‌باشد و واردات کالا نسبت به نرخ تعرفه وارداتی در بلندمدت و کوتاه‌مدت بی‌کشش است در حالی که با آزادسازی کامل تجاری کشش واردات کالاها افزایش خواهد یافت. هم‌چنین نتایج الگوی تصحیح خطا نشان می‌دهد که ضریب تصحیح تعادل نسبت به مسیر بلندمدت (تعادل) به سرعت تعدیل می‌شود، به طوری که در هر دوره ۸۴ درصد از عدم تعادل، تعدیل می‌گردد.

مداح و نعمت‌اللهی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی نرخ تعرفه و فرار مالیاتی در واردات ایران از ۱۲ شریک مهم تجاری ایران طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۸ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری بین اختلافات تجاری یا فرار مالیاتی با

نرخ‌های تعرفه واردات در مورد ۲۷۹۱۷ کالای مورد بررسی وجود دارد و کشتش فرار مالیاتی نسبت به نرخ‌های تعرفه ۰/۶۷ است؛ یعنی با افزایش ۱ درصدی نرخ تعرفه، ۰/۶۷ درصد فرار مالیاتی افزایش می‌یابد. همچنین کشتش فرار مالیاتی نسبت به نرخ تعرفه برای کالاهای دارای نرخ تعرفه بالاتر از میانگین ۰/۸ است که نشان می‌دهد فرار مالیاتی در مورد کالاهای با نرخ تعرفه بالاتر از میانگین، بیش‌تر است.

هادیان و تحویلی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران به روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰ در بلند مدت بین متغیرهای نرخ مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات، نبود سرمایه اجتماعی و تورم با فرار مالیاتی رابطه مثبت وجود دارد که در کوتاه نیز رابطه ذکر شده صادق است با این تفاوت که تورم بر فرار مالیاتی در کوتاه‌مدت بی‌تأثیر می‌باشد.

### ۳-۱- تصریح مدل

به منظور بررسی رابطه میان فرار مالیاتی در ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ برای ۱۰ کشور شریک عمده تجاری ایران (امارات، چین، آلمان، کره، ترکیه، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، هند و روسیه) بر مبنای مطالب ارائه شده، از مدل فیسمن و وی در چارچوب الگوی داده‌های تلفیقی به شکل زیر استفاده می‌گردد:

$$\text{Smuggling}_{x_{tc}} = \log(X_{x_{tc}}) - \text{Log}(M_{x_{tc}}) = \beta_1 + \beta_2 \text{Tarriff}_{x_{tc}} + \beta_3 \text{Tarriff}(-1)_{x_{tc}} + u_{x_{tc}}$$

که در این رابطه،  $\text{Smuggling}_{x_{tc}}$  فرار مالیاتی در واردات می‌باشد که بر اساس تعریف باگواتی به صورت اختلافات تجاری بین کشورها که بیانگر مبادلات غیرقانونی است، تعریف می‌شود.  $x$  و  $t$  و  $c$  به ترتیب بیانگر نوع کالا، زمان و شریک تجاری ایران می‌باشند.  $X_{x_{tc}}$  نشان‌دهنده میزان صادرات گزارش شده کالای  $x$  ام در زمان  $t$  ام توسط شریک تجاری (c) ایران بر حسب هزار دلار و  $M_{x_{tc}}$  بیانگر واردات گزارش شده ایران از همان شریک تجاری و در همان زمان و گروه کالایی می‌باشد.  $\text{Tarriff}_{x_{tc}}$  نرخ تعرفه برای کالاهای وارداتی بر حسب درصد که به صورت میانگینی وزنی از نرخ تعرفه ۳۰ کالای دارای بیش‌ترین ارزش وارداتی در هر سال و از هر کشور بوده  $u_{x_{tc}}$  جز خطای مدل می‌باشد برای جمع‌آوری داده‌های نرخ تعرفه از سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران و برای داده‌های میزان واردات کشور از سایت اتقا بازرگانی، صنایع و کشاورزی

تهران و برای داده‌های صادرات کشورها از سایت WITS استفاده شده است. بر اساس مطالب ارائه شده در قسمت قبل انتظار می‌رود علامت  $\beta$  مثبت باشد که نشان‌دهنده وجود رابطه بین اختلافات تجاری و نرخ تعرفه واردات کالا در ایران است.

### ۱-۳-۱- آزمون‌های پایایی در داده‌های ترکیبی

برای اینکه در تخمین‌ها دچار رگرسیون کاذب نشویم، بایستی ابتدا از پایا بودن متغیرها اطمینان حاصل کنیم جهت بررسی پایایی متغیرها از آزمون‌های فیشر-دیکی فولر تعمیم یافته<sup>۱</sup> (ADF) و فلیس پرون<sup>۲</sup> (PP) استفاده شده است. این دو آزمون از مهم ترین آزمون‌های ریشه واحد در داده‌های پانل می‌باشند، هر چند که ممکن است روش‌های مختلف در آزمون‌های ریشه واحد مبتنی بر داده‌های پانل نتایج متناقضی ارائه دهند. طبق نتایج تحقیق (جدول ۱)، تمامی داده‌ها در سطح با آماره Levin, Lin & Chu پایا می‌باشند و تنها متغیر Smuggling با سایر روش‌های موجود ناپایا است که در داده‌های تلفیقی این مورد امری رایج می‌باشد.

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون‌های ریشه واحد متغیرهای مدل (ADF و PP)

PP-Fisher chi-square		Levin, Lin & Chu		متغیر
آماره آزمون	Prob با عرض از مبدا و روند	آماره آزمون	Prob با عرض از مبدا و روند	
۱۶/۵۶۳۱	۰/۵۵۳۳	-۲/۶۹۷۰۸	۰/۰۰۳۵	Smuggling
۳۱/۵۳۸۶	۰/۰۴۸۵	-۵/۲۹۷۵۶	۰/۰۰۰	Tariff
ADF-Dicky-Fuller				
	آماره آزمون	Prob با عرض از مبدا و روند	متغیر	
	۱۴/۲۷۷۲	۰/۷۱۰۸	Smuggling	
	۲۵/۳۸۳۸	۰/۱۸۷۱	Tariff	

### ۲-۳-۱- روش برآورد مدل

در این بخش جهت برآورد و تخمین مدل ابتدا آزمون F لیمر برای انتخاب بین روش‌های Pooling و Panel Data انجام یافته است. فرض  $H_0$  این آماره، بیانگر انتخاب روش Pooling و اولویت آن نسبت به Panel است. با توجه به اینکه آماره آزمون F با

1- Augmented Dicky-Fuller

2- Philips-Peron

ارزش احتمال نزدیک صفر درصد است، بنابراین فرض  $H_0$  مبنی بر برابری عرض از مبداها رد شده و روش Panel Data انتخاب می‌شود. همچنین برای انتخاب دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی، آزمون هاسمن محاسبه شده است. فرضیه  $H_0$  این آزمون، بیانگر انتخاب روش اثرات تصادفی است. با توجه به اینکه ارزش احتمال آن بالای ۵ درصد شده، فرض  $H_0$  مبنی بر پذیرش اثرات تصادفی، رد نمی‌شود.

بنابراین از روش پانل با اثرات تصادفی برای تخمین رابطه استفاده می‌گردد. با انجام تخمین مدل به این روش می‌توان به رابطه زیر دست یافت:

$$\text{Smuggling}_{xtc} = 0.188274 + 0.03515 \text{Tarriff}_{xtc} - 0.07125 \text{Tarriff}(-1)_{xtc} + u_{xtc}$$

در رابطه بالا تمامی ضرایب در سطح ۵ درصد و ضریب  $\text{Tarriff}_{xtc}$  در سطح ۱۰ درصد معنی‌دار می‌باشد. آماره دوربین-واتسون مقدار  $1/993233$  را نشان می‌دهد که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین باقیمانده‌های می‌باشد.

جدول ۲- نتایج حاصل از برآورد مدل

P-Value	مقدار آماره t	مقدار ضرایب	متغیرهای توضیحی
** ۰/۰۶۶۸	۱/۸۸۸۵۶۰	۰/۰۳۵۱۵	Tarriff
* ۰/۰۰۰۴	-۳/۸۸۵۰۶۷	-۰/۰۰۷۱۲۵	Tarriff(-1)
* ۰/۰۰۱۳	۳/۴۸۶۱۲۲	۰/۱۸۸۲۷۴	$\beta_1$
F=۱/۸۰۸۶۴۴		D. W= ۱/۹۹۳۲۳۳	

\*: معناداری در سطح بحرانی ۵٪    \*\*: معناداری در سطح بحرانی ۱۰٪

نتایج نشان می‌دهد ضریب نرخ تعرفه  $0.03515$  می‌باشد که به این معنی است با افزایش یک درصدی نرخ تعرفه مقدار اختلاف تجاری در واردات کالای کشور به میزان  $0.3515$  درصد افزایش می‌یابد. در واقع با افزایش نرخ تعرفه، هزینه واردات برای واردکنندگان رسمی افزایش می‌یابد و به دنبال آن افزایش واردات غیررسمی اتفاق می‌افتد بنابراین عامل تعرفه به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی از طریق قاچاق کالا به کشور، می‌باشد. همچنین ضریب نرخ تعرفه با یک وقفه  $-0.07125$  است که نشان می‌دهد با افزایش یک درصدی نرخ تعرفه در دوره بعد شاهد کاهش  $0.7125$  درصدی در میزان اختلاف تجاری واردات ایران خواهیم بود.



#### ۴-۱- بحث و نتیجه‌گیری

نرخ تعرفه میزان هزینه‌ای است که وارد کنندگان رسمی هنگام ورود رسمی کالا به داخل کشور پرداخت می‌کنند که به دلیل هزینه‌ای بودن آن، برخی از واردکنندگان به دنبال یافتن راهی برای کاهش هزینه واردات خود می‌باشند که یکی از راه‌حل‌های کاهش این هزینه، واردکردن کالا از طریق راه‌های غیر رسمی (قاچاق کالا) می‌باشد. در این مقاله ابتدا با ارائه مطالعات و نظریات موجود در این رابطه به بررسی عوامل مؤثر بر این پدیده پرداخته شد و طبق پژوهش‌های انجام گرفته مشاهده گردید یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر قاچاق کالا میزان نرخ تعرفه واردات می‌باشد که با افزایش آن انتظار می‌رود میزان واردات غیر رسمی افزایش یابد. در این پژوهش با استفاده از مدل باگواتی و با استفاده از مطالعات انجام شده در این زمینه به بررسی این رابطه طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ پرداخته شد. نتایج نشانگر تأیید وجود رابطه بین متغیرهای مدل طی دوره مورد بررسی می‌باشد. با افزایش نرخ تعرفه در دوره جاری شاهد افزایش در میزان قاچاق کالا به داخل و برای دوره بعدی کاهش میزان قاچاق را تأیید می‌کند. با افزایش میزان تعرفه واردات، در دوره جاری میزان واردات غیررسمی افزایش می‌یابد که برای سال بعد با افزایش مقررات و نظارت دولت و نیز انبار شدن بخشی از کالای قاچاق وارداتی در دوره قبل، انتظار می‌رود برای دوره جاری میزان واردات غیر رسمی کاهش یابد که نتایج نیز نشانگر تأیید این امر می‌باشد.

طبق نتایج به دست آمده با افزایش یک درصدی میزان تعرفه واردات دوره جاری میزان واردات غیر رسمی ۰/۳۵۱۵ درصد افزایش می‌یابد حال آنکه با افزایش همین مقدار تعرفه گمرکی برای دوره بعد میزان واردات غیررسمی به میزان ۰/۷۱۲۵ درصد کاهش می‌یابد که نشان می‌دهد دولت با افزایش قاچاق کالا، نظارت و قوانین مربوطه را افزایش داده و برای دوره بعد میزان واردات غیررسمی کاهش می‌یابد و با توجه به ضریب بالاتر متغیر وقفه دار به این نتیجه می‌رسیم که وجود نظارت بالاتر دولت و نیز افزایش قوانین منع فروش کالای قاچاق بیش‌تر از کاهش نرخ تعرفه واردات می‌تواند بر کاهش پدیده واردات غیر رسمی تأثیرگذار باشد.

علاوه بر بحث تعرفه ایجاد موانع بر سر واردات غیر رسمی نظیر نظارت بر فروش کالاها و منع فروش کالای قاچاق، افزایش فرهنگ استفاده از کالاهای داخلی، بهبود کیفیت کالاهای تولید شده در داخل و افزایش رقابت پذیری کالاهای تولیدی در داخل می‌تواند به کاهش پدیده واردات غیررسمی که با کاهش درآمد مالیاتی دولت و نیز

بی‌تأثیر کردن سیاست‌های تجاری اتخاذ شده توسط دولت، ضربه بزرگی به اقتصاد کشور وارد می‌کند به شکل بهتر مقابله نمود که نتایج آن بتواند کشور را در مسیر رشد و توسعه اقتصادی یاری نماید.

### فهرست منابع

اشرف زاده، حمیدرضا (۱۳۷۸)، «تخمین حجم اقتصاد زیرزمینی»، مجموعه مقالات همایش قاچاق کالا، دانشگاه تربیت مدرس.

پژویان، جمشید و مجید مداح (۱۳۸۵)، «بررسی اقتصادی قاچاق کالا در ایران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی»، فروردین.

رفعتی، محمدرضا (۱۳۸۰)، «برآورد میزان حمایت‌های گمرکی برای جلوگیری از قاچاق کالا»، مجموعه مقالات همایش شناخت راه‌کارهای اقتصادی مبارزه با قاچاق کالا، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.

شکیبایی، علیرضا (۱۳۸۰)، «برآورد سری زمانی قاچاق کالا در ایران با روش منطق فازی»، مجموعه مقالات همایش شناخت راه‌کارهای اقتصادی مبارزه با قاچاق کالا، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.

لطفعلی پور، محمدرضا و اکرم زین‌البیان و نازگل اشرافی (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر کاهش موانع تعرفه‌ای بر واردات کل کالا در ایران با استفاده از مدل ARDL باند»، فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال اول، شماره ۳.

یاوری، کاظم (۱۳۷۸)، «تخمین قاچاق و گران‌نمایی واردات با استفاده از اختلافات آماری در ایران»، مجموعه مقالات همایش قاچاق کالا، دانشگاه تربیت مدرس.

Arize, A. C and Nippani, S. (2010), "Import Demand Behavior in Africa", The Quarterly Review of Economics and Finance, No. 50, pp. 254-263.

Bhagwati, Jagdish N. (1974), "On Underinvoicing of Import in Illegal Transaction in International trade; LTD", LTD, OXFORD.

Bhagwati, Jagdish N. and Hansen, B. (1973), "A Theoretical Analysis of Smuggling", The Quarterly Journal of Economic, 87.

Bhattacharyya, D. (1999), "The Economic Rational of Estimating the Hidden Economy", The Economic Journal, Vol. 109: 348-359.

- 
- Farzanegan, M. R. (2009), "Illegal Trade in the Iranian Economy: Evidence from a Structural Model", *European Journal of Political Economy*, 25: 489-507.
- Feinstein, M. (1991), "An Econometric Analysis of Income Tax Evasion and its Detection", *RAND Journal of Economics* 62(1). 14-35.
- Fisman, R. Wei, S. J. (2004), "Tax Rate and Tax Evasion: Evidence from "Missing Import" in China", *Journal of Political of Economy*, Vol. 112, No. 2.
- Jovoricik, B. S. Narciso, G. (2008), "Differentiated Products and Evasion of Import Tariffs", *Journal of International Economics*, 76: 208-222.
- Norton, A. G, (1987) "On the Economic Theory of Smuggling", *Economica*, 55, 107-118.
- Schneider, F. (2007), "Shadow Economies and Corruption All Over the Word: New Estimates for 145 Countries", *The Open Assessment E-Journal*, NO. 2007-9.
- Schneider, F., Enst, D. H. (2004), "The Shadow Economy An International Survey", Cambridge University Press.
- Bertola, G. and R. Faini. (1991) "Import Demand and Non-tariff Barriers: the Impact of the Trade Liberalization", *Journal of Development Economics*, No. 34, pp. 269-286.
- Khan, M. S. (1974) "Import and Export Demand in Developing Countries", *IMF staff paper*, No. 3, pp. 678-693.